

The evolution of healthy governance in the context of public policy

By:

Javad Madani¹

Saeed Zarandi²

Amin Javadi Sheikh Ahmad³

Abstract

Different countries are required to establish healthy governance in order to develop and improve their conditions. Healthy or optimal governance is the newest type of governance that strives to improve the capacity of the government, people and various institutions to solve problems and create development. The main goal of the research is to investigate and identify the dimensions, components and indicators of healthy governance in the context of public policy. This research is fundamental and exploratory in terms of its method, and the method used in it is data-based theory. Its participants are experts from academic fields and government organizations who have several years of scientific and executive experience in this field. These people were identified and interviewed using the purposeful sampling method. According to the rule of theoretical saturation, 12 experts participated in semi-structured interviews, and their opinions were grouped into propositions and used for analysis in the next steps. Each of the propositions was categorized according to the systematic approach of Strauss and Corbin in the form of 103 open identifiers, 39 central identifiers and 10 selective identifiers. From the results of the research, it is possible to point out the important role of healthy governance in creating innovative and new forms of collective action with the aim of solving complex public policy issues, contributing to public knowledge, providing effective public services, sustainable and citizen-oriented development, which is a collection of results from the evolution of governance. It is achieved in the framework of public policy.

Keywords: governance, healthy governance, public policy, data base theory.

1. Corresponding author: Assistant Professor, Department of Public Administration and Tourism, Faculty of Social Sciences, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

J.madani@uma.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Accounting, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Saeed_zarandi@yahoo.com

3. Master's degree, public administration, Islamic Azad University, Meshginshahr branch, Meshginshahr, Iran. aminj3538@gmail.com

تکامل حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی

جواد معدنی^۱، سعید زرنندی^۲، امین جوادی شیخ احمد^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۳۰

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۰۳

چکیده

کشورهای گوناگون به‌منظور توسعه و بهبود شرایط خود، ملزم به استقرار حکمرانی سالم هستند. حکمرانی سالم یا مطلوب، جدیدترین نوع حکمرانی است که در راستای بهبود ظرفیت دولت، مردم و نهادهای گوناگون برای حل مسائل و ایجاد توسعه تلاش می‌کند. هدف اصلی پژوهش بررسی و شناسایی ابعاد، مؤلفه و شاخص‌های حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی است. این پژوهش از نوع بنیادی و از نظر روش انجام، اکتشافی است و روش به‌کار رفته در آن نظریه داده‌بنیاد است. مشارکت‌کنندگان آن، خبرگانی از حوزه‌های دانشگاهی و سازمان‌های دولتی هستند که در این زمینه، چندین سال سابقه علمی و اجرایی دارند. این افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند شناسایی و با آنها مصاحبه شد. مطابق با قاعده اشباع نظری، ۱۲ خبره در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مشارکت داشتند که نظر آنها در قالب گزاره‌هایی دسته‌بندی شد و به‌منظور تحلیل در مراحل بعدی مورد استفاده قرار گرفت. هر یک از گزاره‌ها مطابق با رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین در قالب ۱۰۳ شناسه باز، ۳۹ شناسه محوری و ۱۰ شناسه انتخابی مقوله‌بندی شد. از نتایج پژوهش می‌توان به نقش مهم حکمرانی سالم در ایجاد اشکال نوآورانه و جدید اقدام جمعی با هدف حل مسائل پیچیده خط‌مشی عمومی، کمک به دانش عمومی، ارائه خدمات عمومی مؤثر، توسعه پایدار و شهروندمحوری اشاره کرد که به‌عنوان مجموعه نتایجی است که از تکامل حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌دست می‌آید.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی سالم، خط‌مشی‌گذاری عمومی، نظریه داده‌بنیاد.

۱. نویسنده مسئول: استادیار، گروه مدیریت دولتی و گردشگری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.
J.madani@uma.ac.ir

۲. استادیار، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Saeed_zarandi@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد، مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشگین‌شهر، مشگین‌شهر، ایران.

aminj3538@gmail.com

مقدمه

مفهوم حکمرانی از دوران باستان تاکنون، همواره موضوع اصلی تحول تاریخی تمدن‌ها بوده است (فرازمند^۱، ۲۰۱۲). در پایان قرن بیستم و آغاز قرن بیست و یکم، مفهوم حکمرانی در بحث‌های معاصر در حوزه علوم اجتماعی و به‌ویژه در حوزه مدیریت دولتی نقش محوری را به‌خود اختصاص داده است (کاتسامونسکا^۲، ۲۰۱۶: ۱۳۳). در سال‌های اخیر، این مفهوم در قالب‌ها و رویکردهای گوناگونی مطرح شده است که حکمرانی خوب^۳ یکی از مهم‌ترین تعبیری است که مدنظر قرار گرفت (میجر، لپیز و چن^۴، ۲۰۱۹). اما پس از سال‌ها پژوهش و اجرا و کاربردی‌سازی آن در کشورهای گوناگون، مفهوم جدیدتری از حکمرانی آشکار شد که تحت عنوان حکمرانی سالم یا مساعده^۵ نام‌گذاری شد (ستیدیهارجا و همکاران^۶، ۲۰۱۷؛ فرازند، ۲۰۱۲). حکمرانی سالم گونه‌ای از حکمرانی است که در انتقاد به مفاهیم و مفاد حکمرانی خوب در عصر حاضر بیان شده است (اسدالزمان^۷، ۲۰۱۶). حکمرانی سالم بیش از واژه‌های «حکمرانی، حکمرانی خوب، حکومت» معنا می‌دهد. در واقع، حکمرانی سالم شامل دولت به‌عنوان یک نهاد توانمندساز، چارچوب قانونی، جامعه مدنی، بخش خصوصی، شهروندان و ساختارهای رسمی است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۸، ۲۰۲۲). این نوع حکمرانی به‌دلیل ماهیت پویا و چندبعدی آن، برای بسیاری از کشورها قابل توجه بوده و همواره در راستای دستیابی به ابعاد و مؤلفه‌های آن، تلاش کرده‌اند. نظام‌های سیاسی، در برنامه‌های مدیریتی و خط‌مشی‌گذاری خود همواره نیازمند نظارت، کنترل و بازنگری در عملکرد خویش هستند. برای اینکه هر نظام سیاسی بتواند وظایف خود را به بهترین گونه انجام دهد و دچار بحران، فساد و ناکارآمدی نشود، از یک‌سو نیازمند بهره‌گیری از روش‌ها و ابزارهای نوین برای بهبود کیفیت خویش است و از سوی دیگر باید با مقایسه آن با نظام‌های در عرض خود، میزان توانمندی آن را سنجید (مرشدی زاد، ۱۳۹۶: ۱۲۶). به‌همین دلیل است که افزون بر پژوهش‌ها، در بسیاری از رویکردهای سیاسی و اجرایی نیز مفاهیم حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری را با یکدیگر در نظر می‌گیرند

-
1. Farazmand
 2. Katsamunsk
 3. Good Governance
 4. Meijer, Lips and Chen
 5. Sound Governance
 6. Setyadiharja et al
 7. Asaduzzaman
 8. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD).

(باچ و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ شپیرر و همکاران^۲، ۲۰۱۶). در واقع، مفاهیم حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی پیوند ناگسستنی با هم دارند که از دیرباز تاکنون مورد توجه بوده است. با پیشرفت جوامع، سازمان‌ها و اقشار، امور و رویه‌های اداری نیز به‌طور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود. این به‌سبب آن است که مسائل پیچیده‌تر می‌شود. این مسائل تنها ماهیت اقتصادی و فنی ندارد، بلکه دیگر منافع مانند منافع ملی، حفظ منابع عمومی و ارتقای کیفیت زندگی را نیز شامل می‌شود. با توجه به پیچیده‌بودن مسائل عمومی، خط‌مشی‌گذاری نیازمند ابزارها و روش‌های علمی است که در صورت به‌کارنگرفتن آنها، مشکلاتی به‌میان می‌آید. برای بیشتر افراد جامعه، این منافع ارزش‌های اجتماعی را نشان می‌دهد که در معرض خطر قرار گرفته است و دور از انتظار نیست؛ زیرا ممکن است خلاف این امر به تضاد منجر شود. این مسائل هم‌چنین در حوزه اجرا پیچیده می‌شود و حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری برای جوامع را بیش از پیش دشوارتر می‌سازد. اما با عطف به روش‌ها و سازوکارهای مؤثر می‌توان این مقوله را به کمترین مقدار رساند. در گذشته، بدیهی بود که این مسائل تنها در قلمرو قدرت هیئت حاکمه رخ می‌داد و مرجع صلاحیت‌دار باید با دیگر افراد حکومتی و بخش خصوصی - هم سازمان و هم گروه‌های ذی‌نفع - برای رسیدن به نتایج مطلوب هماهنگ می‌شد. اما امروزه نیازمند توجه و استفاده از روش‌ها و سازوکارهای جدید و متقنی است که این مهم را به منصف ظهور و اجرا رسانند. یکی از سازوکارها و روش‌های مؤثر، ایجاد زمینه برای بهبود وضعیت و ارتقای حکمرانی است که امروزه تحت عنوان حکمرانی سالم مطرح شده است. در واقع یکی از مسائل اساسی در رابطه با ایجاد و بهبود حکمرانی سالم، پیوند ضمنی یا مفهومی آن با مفاهیم مهمی تحت عنوان خط‌مشی‌گذاری عمومی است که مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و حکمرانان است. از سویی نیز، خط‌مشی‌گذاری عمومی می‌تواند به‌عنوان زمینه یا بستری باشد که حکمرانی سالم را (که نیازمند همکاری و تشریک مساعی است)، تداعی ساخته و ارتقای آن را هدف قرار دهد؛ هم‌چنین اطلاعات کامل درباره ابعاد یا مؤلفه‌هایی که در فرایندهای خط‌مشی‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد، همیشه در دسترس نخواهد بود و نیاز است با عطف به مفاهیم مهمی چون حکمرانی سالم، این موضوع را به منصف ظهور و اجرا رساند. از این گذشته، نقش مراجع حکومتی که ابتکار عمل در خط‌مشی‌گذاری را به‌عهده دارند، نقشی حیاتی و دشوار است و با پیوند این دو مفهوم می‌تواند بر

-
1. Bach et al
 2. Shearer et al

پیچیدگی‌ها و مسائل احتمالی چیره شود. از همین رو، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی است که در رابطه با تکامل و بهبود آن به بررسی موضوع می‌پردازد. در قسمت‌های بعدی مقاله، به مبانی نظری و پیشینه پژوهش، روش‌شناسی، یافته‌های پژوهش، بحث و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

حکمرانی و حکمرانی سالم

حکمرانی بر اجرای وظایف حاکمیتی به‌طور مشترک توسط دولت‌ها و دیگر نهادها حتی مؤسسات غیردولتی تأکید دارد (دویانتو^۱، ۲۰۰۸). در واقع، حکمرانی فرایند سازماندهی، مدیریت، اجرا، ارزیابی و... قدرت دولتی است که در حوزه‌های خدمات عمومی، مدیریت دولتی، قدرت سیاسی، مشارکت و... اتخاذ می‌شود (ستیدیهارجا و همکاران، ۲۰۱۷). برای اینکه حکمرانی به واقعیت تبدیل شود و به‌خوبی کار کند، نیازمند تعهد و مشارکت همه، یعنی دولت و جامعه است (دونوهو^۲، ۲۰۲۲). حکمرانی رویکرد و انواع گوناگونی دارد که تحت عناوینی چون: حکمرانی خوب، حکمرانی مساعد یا مطلوب^۳، حکمرانی هوشمند، حکمرانی شهروندمحور (مردم‌پایه)^۴ و حکمرانی مشارکتی^۵ (لیو و کای^۶، ۲۰۲۲؛ ماندیچ و کنل^۷، ۲۰۲۱) است.

بنا به تعریف، حکمرانی سالم را نمی‌توان از مفهوم حکمرانی که بخشی از این مفهوم است جدا کرد، اما بیشتر اندیشمندان حکمرانی سالم را جایگزینی برای حکمرانی خوب در نظر می‌گیرند (فرازمند، ۲۰۱۲). اول اینکه جامع‌تر از هر مفهوم دیگری در این زمینه است و حاوی عناصر جهانی یا بین‌المللی است و دوم، ویژگی‌های هنجاری یا فنی و عقلانی حکمرانی خوب را نیز در بر می‌گیرد (ستیدیهارجا و همکاران، ۲۰۱۷). با این حال، این مفهوم به دیدگاهی متعادل از حکمرانی منجر می‌شود و ویژگی‌های ناب یک نظام حکمرانی سالم را در نظر می‌گیرد که ممکن است دولت سالم یا مساعدی را تداعی سازد (فرازمند، ۲۰۰۴). سوم، مفهوم حکمرانی سالم دارای ویژگی‌های مطلوب

-
1. Dwiyanto
 2. Donohue
 3. Sound Governance
 4. Citizen-Centered Governance
 5. Participatory Governance
 6. Liu & Qi
 7. Mandić & Kennell

کیفیت حکمرانی نیز هست که برتر از حکمرانی خوب است و به‌طور روشن‌تر از نظر سازمانی، مدیریتی، سیاسی، فنی، تاکتیکی، دموکراتیک و اقتصادی بهتر از آن ظاهر می‌شود (کاتسامونسکا، ۲۰۱۶). چهارم، حکمرانی سالم با مفاد و ارزش‌های قانون اساسی بسیاری از کشورها مطابقت دارد و به هنجارها، قواعد و رژیم‌های بین‌المللی پاسخ می‌دهد (لیو و کای، ۲۰۲۲).

در حکمرانی سالم، اصطلاح حکمرانی فهم جامع‌تری را نشان می‌دهد. در واقع، حکمرانی به‌معنای فرایند مشارکت در اداره امور اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک ایالت یا جامعه محلی از راه ساختارها و ارزش‌هایی است که همه ابعاد جامعه را منعکس می‌کند (فرازمند، ۲۰۰۴). در این مورد، حکمرانی به‌عنوان مفهومی گسترده‌تر از شکل سنتی، یک‌جانبه و اقتدارگرایانه از حکومت استفاده می‌شود که در آن نخبگان حاکم تنها در موقعیت‌های مدیریت یک‌جانبه نشسته‌اند، بلکه در تعامل با دیگر سطوح هستند (سازمان ملل^۱، ۲۰۰۶). در واقع، حکمرانی سالم به سیاست‌ها و شیوه‌های حاکمیتی و مدیریتی پذیرفته‌شده‌ای اشاره می‌کند که برای کارکرد مؤثر نهادها و سازمان‌ها مورد نیاز است (سانچز و لامچک^۲، ۲۰۲۳). در حالی که این سیاست‌ها و شیوه‌ها می‌تواند بسیار باشد، در اینجا ما بر موارد زیر تمرکز می‌کنیم که آشکارا برای کشورهای آلوده به فساد برجسته است: یک هدف سیاستی روشن و یک رویکرد روشن برای تأمین مالی، برداشت، و عملیات خرج کردن. یک سیاست سرمایه‌گذاری روشن؛ استقلال مدیریت عملیاتی، مدیران سرمایه‌گذاری و هیئت حاکمه؛ و در حکمرانی سالم، تعامل عناصر گوناگون واقعی است که نمی‌تواند انکار شود و اولین کاری که بوروکرات‌ها انجام می‌دهند درک واقعیت و وضعیت محیط اجتماعی است (پوترا^۳، ۲۰۰۹). این وضعیت یا واقعیت اجتماعی سرشار از تعامل پویا است که سه ویژگی اصلی را پدید می‌آورد که مبنا و اساس ساخت مفهوم حکمرانی سالم است. این موارد عبارت است از: تنوع، پیچیدگی و تنش^۴ (ستیدیاهارجا و همکاران، ۲۰۱۷). سپس فرازمند (۲۰۰۴) و پوترا (۲۰۰۹) توضیح می‌دهند که این سه واقعیت اساسی به‌عنوان عناصر آگاهی‌بخش در حکمرانی سالم در مدیریت واقعیت‌های اجتماعی است:

تنوع: در واقعیت حکومت‌ها و دولت‌ها با واقعیتی از تنوع افکار، آرا، خواسته‌ها و مطالبات جامعه روبه‌رو هستند که پس از آن به فرایندی در نظام حکومتی تبدیل می‌شود که به ورودی، فرایند، خروجی

1. United Nations
2. Sanchez, E. M., & Lamchek
3. Putra
4. Diversity, Complexity, and Tension

و بازخورد تبدیل می‌شود. این امر به فرایندی برای کنترل و تعادل بین مردم و دولت منجر خواهد شد و باید با ایجاد ارزش‌ها و انرژی برای تشویق رشد نوآوری و خلاقیت در بدنه سازمان‌های دولتی مورد توجه قرار گیرد.

پیچیدگی: این مقوله اولین نتیجه تنوع است. این واقعیت با پیچیدگی محیط اجتماعی نشان داده می‌شود، بنابراین یافتن گروه‌هایی از مواضع و مخالفان غیرمعمول نیست. افزون بر این، در کشور مردم‌سالار، پیچیدگی و تنوع آن بیشتر نمایان است و حکمرانی سالم می‌خواهد ما را به نگاه کردن به چیزی پیچیده دعوت کند و باید با خوش‌بینی به آن پرداخت. این سبب می‌شود که دولت در پاسخگویی به همه مسائل پیچیده جامعه پاسخگو و به فکر راه‌حل باشد.

تنش (شدت): پیچیدگی‌هایی که در جامعه متنوع رخ می‌دهد به تشدید تنش در روند حکومت در داخل و خارج کشور منجر خواهد شد. تنش مفهوم درگیری زیانبار نیست، بلکه شدت ارتباط بین عناصر است. افزون بر این، بازیگران در حکمرانی سالک همان‌طور که توسط پوترا (۲۰۰۹) توصیف شده است عبارت است از: دولت، جامعه مدنی، بازیگران خصوصی و بین‌المللی، که به‌عنوان بازیگران اصلی هستند.

حکمرانی سالم دارای شاخص‌ها یا ویژگی‌های ذیل است: فرآیند^۱، ساختار^۲، شناخت و ارزش^۳، قانون اساسی^۴، مدیریت و عملکرد^۵، سازمان‌ها و نهادها^۶، خط‌مشی حکمرانی سالم^۷، بخش یا قسمت^۸، جهانی شدن^۹ (ستیدیاها رجا و همکاران، ۲۰۱۷).

فرایند یا روند: حکمرانی سالم شامل فرایندی است که بر تمام تعاملات همه عناصر یا ذی‌نفعان درگیر حاکم است.

-
1. Process
 2. Structure
 3. Cognition & Value
 4. Constitution
 5. Management & Performance
 6. Organizations & Institutions
 7. Sound governance policy
 8. Sector
 9. Globalization

ساختار: ساختار عنصر تشکیل‌دهنده بازیگران، قوانین نظارتی، رویه‌ها، چارچوب‌های تصمیم‌گیری و منابع معتبری است که می‌تواند فرایندهای دولتی را تحریم یا مشروعیت بخشد. شکل ساختاری آن به صورت عمودی و افقی است و تحت تأثیر عوامل گوناگون ملی و بین‌المللی قرار دارد. شناخت و ارزش: بعد شناختی یا ارزشی بیانگر یک نظام ارزش واحد در ساختار یا فرایند دولتی است. در درون حکمرانی سالم، مفاهیم سالم و پویایی ایجاد می‌شود که زیربنای ابعاد ساختار و فرایند است، به طوری که حکمرانی سالم باید برای وقوع یک انحراف به حداقل برسد. قانون اساسی: مهم‌ترین ابعاد حکمرانی و حکمرانی سالم، قانون اساسی حاکمیت و نظام حکمرانی است.

سازمان‌ها و نهادها: بعد دیگر حکمرانی سالم، مؤلفه سازمانی و نهادی است. در این زمینه منظور از نهادهای حاکمیتی چیست. چگونه این نهادها در هماهنگی با دیگر نهادهای دولتی اداره می‌شود. ساختار و فرایند حکمرانی یا خط‌مشی‌گذاری توسط نهادهای حاکمیتی تعیین می‌شود و بدون نهادها هیچ حکمرانی سالمی وجود نخواهد داشت.

مدیریت و عملکرد: ابعاد مدیریتی و عملکردی حکمرانی سالم رابطه نزدیکی با یکدیگر دارد و بخشی جدایی‌ناپذیر از سامانه است، اما فقط عملکرد کافی نیست و باید نتیجه مطلوب را ایجاد کند. دقیقاً اینکه می‌تواند به مشروعیت نهادی تبدیل شود. بعد مدیریت مانند یک چسب است، دقیقاً انتقال یک سامانه است که نتایج مطلوب را ایجاد می‌کند. مدیریت باید حول آخرین دانش، فناوری، امکانات، منابع و تخصص، به‌روزرسانی مداوم از راه پژوهش و توسعه، آموزش و ظرفیت‌سازی انجام شود.

خط‌مشی: بُعد دیگر در رابطه با خط‌مشی است که راهنمایی، جهت و کنترل روشنی را برای عناصر یا ابعاد فرایند، ساختار و مدیریت ارائه می‌دهد.

بخش یا قسمت: بعد دیگر حکمرانی سالم، ویژگی‌های بخش است که همه ابعاد دیگر را تشکیل می‌دهد. این ابعاد بخشی از آن جهت حائز اهمیت است که بر بخش‌های خاصی مانند صنعت، کشاورزی، روستایی، شهری، علمی، پژوهش و توسعه، آموزش، بهداشت، حمل‌ونقل و دیگر حوزه‌ها متمرکز شده است. این بخش مستلزم مشارکت مستقیم مردم، مدیریت توانمند و دانش و تخصص در عملکرد سازمان‌های دولتی است.

جهانی شدن: این بعد نیز یکی از مهم ترین ویژگی های حکمرانی سالم است که قدرت بین المللی یا جهانی شدن را نشان می دهد و دارای اهمیت حیاتی، چه در سطح جهانی یا بین المللی و چه در سطح داخلی است (فرازمند، ۲۰۰۴؛ پوترا، ۲۰۰۹).

حکمرانی سالم و خط مشی گذاری عمومی

اداره دولت و حکومت از پیچیده ترین مسائلی است که خردمندان جوامع بشری با آن روبه رو هستند. این امر از یک سو با مشکلات و مسائل اقتصادی و تأمین رفاه عمومی، مسائل سیاسی و تضمین امنیت عامه و از سوی دیگر با مسائل فرهنگی و اجتماعی هویت ملی سروکار دارد. افزون بر این، اداره نظام بزرگ حکمرانی، با ساختارهای پیچیده و ابعاد گسترده که به تدریج بدون طرحی جامع و کل نگر ایجاد شده و برحسب شرایط و مسائل و مشکلات روز توسعه یافته است، کار بسیار دشواری است. ضمن اینکه مسائل دولت ها بسیار مهم و خطیر است؛ زیرا پیامدهای تسلسلی گسترده ای دارد و ممکن است دیگر نظام های اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد (پورعزت و همکاران، ۱۳۸۹). حکومت، تحت تأثیر یکپارچگی جامعه و پراکندگی سازمان ها در حال از دست دادن نقش مرکزی خود است. در اواخر دهه ۱۹۶۰ سیاستمدار آلمانی، شارپف^۱ به این فرایند توجه کرد. وی ارتباط بین حکومت و حوزه فعالیتش را برحسب شبکه پیچیده ای از بازیگران (نقش آفرینان) بخش دولتی توصیف کرد. این بازیگران از راه روابط و وابستگی های گوناگون به هم مرتبط می شوند. بیشتر اوقات، خط مشی تحت تأثیر منافع متضاد و مختلف به این شبکه شکل می دهد. بنابراین خط مشی گذاری تنها مسئله ای درباره واگذار کردن و گرفتن نیست. زمانی که افراد با گروه هایی که منافع مشترک دارند (چه رسمی چه غیررسمی) برای دستیابی به مطالبات خود به دولت فشار می آورند؛ تضاد و تعارض و بازی های قدرت (سیاسی) نمایان می شود (دریسن و همکاران^۲، ۲۰۰۱). در واقع، در فرایند تدوین خط مشی های عمومی، بازیگران (فعالان) متعددی در عرصه های گوناگون و در بازه زمانی متغیر، بر سر راه حل های مسائل فراروی جامعه تعامل می کنند. هر یک از این بازیگران، اهداف، منافع، برداشت ها و دغدغه های خاص خود را نسبت به حل مسئله عمومی دارند (امیری و همکاران، ۱۳۹۰). به عبارت کلی تر، حکومت ها می توانند به طور مؤثری در رویارویی با

1. Scharpf
2. Driessen et al

چالش‌های پیچیده، پویا و شریرا^۱؛ از خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌عنوان راه‌حل استفاده کنند (OECD^۲, 2017). یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مفاهیمی که در این میان ایفای نقش می‌کند، حکمرانی سالم است که هدف بسیاری از کشورها است. حکمرانی سالم، خواه یا ناخواه در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی صورت می‌پذیرد و به همین دلیل است که بسیاری از مسائل و مشکلات یکی از این حوزه‌ها، به حوزه بعدی نیز سرایت می‌کند. به گفته فرازمند (۲۰۱۲)، حکمرانی سالم مفهومی برای مدیریت و کنترل پیچیدگی‌ها، چالش‌ها، تهدیدها و فرصت‌های پیش روی حکومت‌ها و دولت‌ها است که علاوه بر آنها، بر شهروندان، سازمان‌ها و مدیریت سامانه‌ها و... تأثیر می‌گذارد. کلید همه این عناصر، پیوند حکمرانی سالم و خط‌مشی‌گذاری عمومی است (لیو و کای، ۲۰۲۲).

در ادامه، پیشینه پژوهش در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. پیشینه پژوهش

ردیف	پژوهشگر	خلاصه پژوهش
۱	قلی پور (۱۳۸۳)	در پژوهشی با عنوان «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت» بیان می‌کند که حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار است و در این الگو بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل سه بخش دولت، خصوصی و مدنی تأکید شده تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی‌های خود در توسعه همه‌جانبه استفاده کنند.
۲	متفکر و بهاروندی (۱۴۰۱)	در پژوهشی با عنوان «ارائه مدل مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی براساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب» بیان می‌کند که مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی از دید خبرگان حکمرانی اسلامی عبارت است از: انسجام همگرایی و هم‌افزایی؛ اعتماد ارکان حکمرانی به یکدیگر؛ حاکمیت و توسعه ارزش‌های اسلامی در فرایندها؛ فرایند انتخاب اصلاح و نظارت بر حکومت؛ توسعه ظرفیت‌ها، سیاست‌ها و اقدامات.
۳	فرازمند ^۳ (۲۰۱۲)	در پژوهشی با عنوان «حکمرانی سالم: درگیرکردن شهروندان از طریق سازمان‌های مشارکتی» بیان می‌کند در دهه اخیر، مفهوم جدیدتری به‌میان آمده است تحت عنوان «حکمرانی سالم یا مساعد». حکمرانی دارای سطوح و انواع گوناگونی است که یکی از نمونه‌های آشکار آن حکمرانی سالم یا مساعد است. در نتیجه، پژوهشگران به‌منظور رویارویی و مدیریت چالش‌های جهانی شدن، مفهوم «حکمرانی سالم» را به‌جای حکمرانی خوب پیشنهاد کردند.

1. wicked
2. Organization for Economic Co-Operation & Development (OECD).
3. Farazmand

ادامه جدول ۱. پیشینه پژوهش

خلاصه پژوهش	پژوهشگر	ردیف
در پژوهشی با عنوان «پاسخگویی، شفافیت، مشارکت: توسعه اجماع جدید» بیان می کنند که هرچند حکمرانی سالم هنوز نیازمند اصلاحاتی در زمینه مردم‌سالاری، شفافیت و پاسخگویی عمومی است، اما بر انعطاف‌پذیری و نوآوری در رسیدن به اهداف تأکید دارد و «نوآوری» جوهره اجرای حکمرانی سالم در یک نظام است؛ بنابراین حکمرانی سالم به‌عنوان گزینه‌ای انتقادی در برابر حکمرانی خوب پا به عرصه گذاشت و واژه «خوب» را به «سالم» تغییر داد.	کاروترز و برکن‌ماچر ^۱ (۲۰۱۴)	۴
در پژوهشی با عنوان «حکمرانی سالم و نقش آن در ارتقای کارایی عملکرد واحدهای دولتی در بخش مخابرات» بیان کردند که امروزه بیشتر کشورها با استفاده از حکمرانی سالم به دنبال ایجاد ثبات و پیشرفت در کشورشان هستند و در واحدهای دولتی در بخش مخابرات کشور عراق، فساد ناشی از ضعف یا نبود حکمرانی صحیح است که اصول شفافیت، پاسخگویی و مبارزه با فساد را رعایت نمی‌کند.	علام و شعبی ^۲ (۲۰۲۲)	۵

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف، بنیادی و از نوع کیفی است که از روش نظریه داده‌بنیاد استفاده کرده است. به دلیل جدیدبودن موضوع و کمبود غنای مبانی نظری در این حوزه موضوعی، پژوهشگر ملزم به استفاده از روش‌های کیفی شد. نظریه داده‌بنیاد یکی از مهم‌ترین روش‌های پژوهش کیفی است که در سال ۱۹۶۷ توسط گلیسر و استراوس^۳ پیشنهاد شده است (ایسمایلیا و همکاران^۴، ۲۰۲۱). در این روش، پژوهشگران باید با استفاده از ابزارهایی همچون مصاحبه، داده و اطلاعات را استخراج کنند و با تجزیه و تحلیل آنها به صورت جمله به جمله؛ کار را تا اشباع نظری ادامه داده و سپس آنها را در قالب شناسه‌گذاری‌های «باز، محوری و انتخابی» دسته‌بندی کنند (کوربین و استراوس^۵، ۲۰۱۴؛ چارمز^۶، ۲۰۰۰). در این پژوهش، به منظور شناسه‌گذاری مصاحبه‌ها از رویکرد نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده خواهد شد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با شناسه‌گذاری باز، شناسه‌گذاری محوری و شناسه‌گذاری انتخابی انجام می‌شود.

1. Carothers & Brechenmacher
2. Alam & Chouaibi
3. Glaser & Strauss
4. Ismaila et al
5. Corbin & Strauss
6. Charmaz

مشارکت‌کنندگان پژوهش شامل افرادی است که چندین سال سابقه علمی و اجرایی در دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی دارند که در حوزه‌های علمی حکمرانی، خط‌مشی‌گذاری، سیاست‌گذاری عمومی، علوم سیاسی فعالیت داشته‌اند. این افراد با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند که یکی از روش‌های نمونه‌گیری کیفی است مورد شناسایی و مصاحبه قرار گرفته‌اند. البته روشن است که تعداد نمونه‌ها با توجه به دستیابی به اشباع نظری تعیین می‌شود. در این مرحله، ۱۲ خبره در مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته مشارکت داشتند که نظر آنها در قالب گزاره‌هایی دسته‌بندی، و به‌منظور تحلیل در مراحل بعدی مورد استفاده قرار گرفت. یادآور می‌شود عدم دسترسی حضوری به افراد، پژوهشگر به‌وسیله یکی از نرم‌افزارهای شبکه‌های مجازی، به‌صورت صوتی و تصویری به گردآوری مصاحبه‌ها پرداخت.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در روش‌شناسی پژوهش توضیح داده شد، ابتدا با استفاده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، گزاره‌هایی استخراج می‌شود و سپس در مرحله بعدی، گزاره‌ها در سه نوع شناسه‌گذاری «باز، محوری و انتخابی» مشخص و بررسی شد که سرانجام، ۱۰۳ شناسه باز، ۳۹ شناسه محوری و ۱۰ شناسه انتخابی به‌دست آمد و در قالب شش دسته، مقوله‌بندی شد. یادآور می‌شود به‌منظور بررسی اعتبار و روایی پژوهش، از روش «بررسی اعضا و اعتبارسنجی مصاحبه‌شونده» استفاده شده است. بدین صورت که پژوهشگران در طول فرایند جمع‌آوری داده‌ها، شناسه‌های به‌دست‌آمده از نظر اعضا یا مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها را دوباره بازنویسی کردند تا آنها در رابطه با اینکه در مواردی که این نظرات، مبهم یا نیازمند حذف و اصلاح است، اقداماتی را صورت دهند. در جدول ۲، نمونه‌ای از شناسه‌گذاری باز ارائه شده است.

جدول ۲. نمونه‌ای از شناسه‌گذاری‌های باز

شماره شناسه	شناسه	گویه
PCA ¹	حاکمیت قانون و شفافیت	حکمرانی سالم نمودی از حاکمیت قانون و شفافیت در کشورها است.
PCA2	ماهیت چندبعدی حکمرانی سالم	حکمرانی سالم تنها نظریه سیاسی یا مدیریتی نیست، بلکه می‌تواند در تمام ابعاد و جوانب و حتی در راستای ایجاد یک پارچگی در جامعه و سازمان‌ها نیز نقش اساسی ایفا کند.
PCA3	ثبات و پایداری جوامع	حکمرانی سالم نه تنها یک مکانیزم، بلکه یک مقوله‌ای اساسی در ایجاد ثبات و پایداری جوامع است.
PCA4	قرابت و پیوند حکمرانی سالم و خط‌مشی‌گذاری عمومی	در بسیاری از کشورها، سعی بر آن است تا حکمرانی و منویات مرتبط با آن، در تمام عرصه‌ها، به‌ویژه خط‌مشی‌گذاری عمومی صورت پذیرد.
PCA5	نقش اساسی خط‌مشی‌گذاری عمومی	خط‌مشی‌گذاری عمومی رکن اساسی کشورها است و نیازمند توجه و اقدامات ویژه‌ای است.
PCA6	بستر مطلوب خط‌مشی‌گذاری عمومی برای حکمرانی سالم	خط‌مشی‌گذاری عمومی، تمام مؤلفه‌های سازمانی، نهادی، اجرایی و... کشورها را شامل می‌شود و از این دید می‌تواند بستری برای تکامل حکمرانی سالم باشد.

به دلیل جلوگیری از طولانی شدن مطالب؛ این موارد در قالب جدول ۳ توضیح داده می‌شود و از درج دیگر جدول‌ها صرف نظر می‌شود.

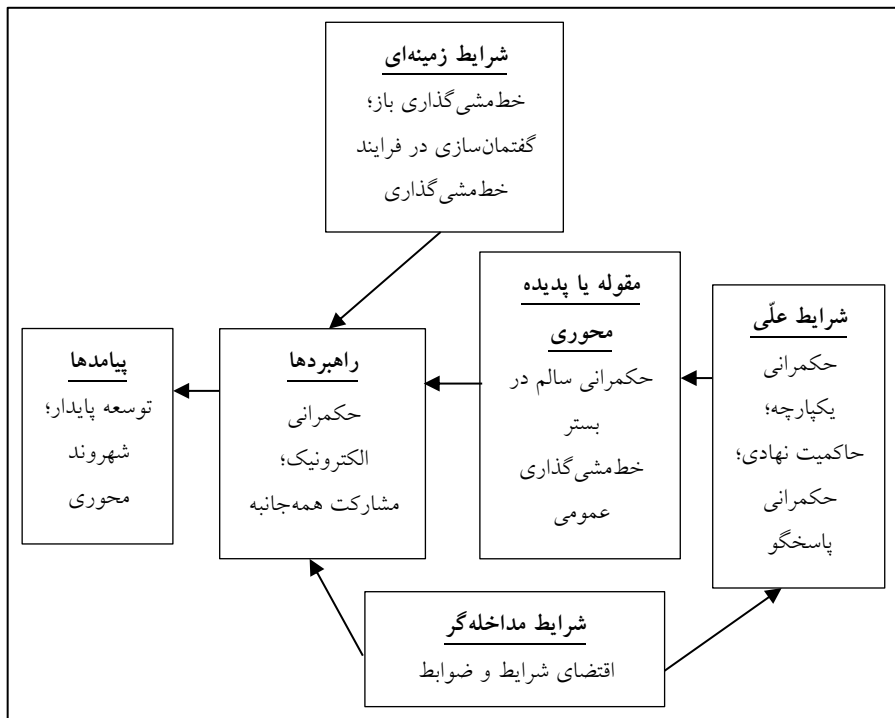
جدول ۳. نمایش شناسه‌گذاری‌های پژوهش

شناسه‌گذاری انتخابی	شناسه‌گذاری محوری	شناسه‌گذاری باز
حکمرانی یک‌پارچه	حاکمیت قانون؛ عدالت‌محوری و انصاف؛ نظام قضایی مدبر؛ برقراری اعتماد عمومی مطلوب؛ نظام اداری سالم	PC ¹ +...+PC14
حاکمیت نهادی	ثبات سیاسی؛ تدابیر و سیاست‌های کلی نظام؛ ایجاد برنامه‌های راهبردی و متقن؛ قدرت سیاسی قاعده‌مند	PC15+...+PC23
حکمرانی پاسخگو	شفافیت و سلامت اداری؛ مبارزه با فساد اداری؛ پاسخگویی عمومی؛ جریان آزاد اطلاعات در جامعه و سازمان‌ها؛ آزادی بیان و مطبوعات آزاد (دسترسی آزاد)	PC24+...+PC31
توسعه پایدار	توسعه کیفیت محیط؛ توسعه انسانی؛ مدیریت مؤثر و کارآمد اقتصادی؛ بهبود زیرساخت‌های عمومی	PC32+...+PC42
حکمرانی الکترونیک	ارائه فناوری‌های نوین به سازمان‌ها و شهروندان؛ برقراری مردوسالاری الکترونیک؛ حمایت رسانه‌ای؛ دولت الکترونیک و ارائه خدمات عمومی الکترونیک	PC43+...+PC51
اقتضای شرایط و ضوابط	بهبود فضای کسب و کار؛ استفاده از ظرفیت‌های بالقوه؛ موقعیت و وضعیت حکومت و جامعه	PC52+...+PC61
مشارکت همه‌جانبه	مشارکت، انسجام و همکاری متولیان و ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها؛ مشارکت عامه در خط‌مشی‌گذاری؛ فرایندهای تصمیم‌گیری جمعی	PC62+...+PC73
خط‌مشی‌گذاری باز	شبکه‌های خط‌مشی‌گذاری؛ بازبودن شبکه‌های صدا؛ مشارکت و تعامل اقشار با دولت (حکومت)؛ فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی سالم	PC74+...+PC80
گفتمان سازی در فرایند خط‌مشی‌گذاری	همکاری و تخصص‌گرایی در فرایند خط‌مشی‌گذاری؛ ایجاد بستر تعاملاتی در فرایند خط‌مشی‌گذاری؛ برگزاری جلسات در سطوح و بخش‌های مؤثر	PC81+...+PC93
شهروندمحوری	ارائه کالاها و خدمات عمومی و اجتماعی مؤثر؛ ارائه خدمات عمومی مطلوب؛ ارتباط و مشارکت تمامی اقشار و بخش‌ها؛ احترام شهروندان و دولت به یکدیگر و نهادهای حاکم	PC94+...+PC103

باتوجه به شناسه‌گذاری‌های پژوهش در راستای تبیین مبحث مورد بررسی؛ مقوله‌بندی‌ها در شش دسته زیر بررسی و توضیح داده می‌شود.

1. Point Code (PC)

شرایط علی: حکمرانی یکپارچه؛ حاکمیت نهادی؛ حکمرانی پاسخگو
 زمینه: خط‌مشی گذاری باز؛ گفتمان‌سازی در فرایند خط‌مشی گذاری
 مقوله محوری: حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی گذاری عمومی
 شرایط مداخله‌گر: اقتضای شرایط و ضوابط
 راهبردها: حکمرانی الکترونیک؛ مشارکت همه‌جانبه
 پیامدها: توسعه پایدار؛ شهروندمحوری.
 چهارچوب پارادایمی: با توجه به اصول و قواعد نظریه داده‌بنیاد و با استناد به رابطه بین مقوله‌ها و موارد مطرح‌شده در روش پژوهش، چهارچوب پارادایمی در شکل ۱ ترسیم شد.



شکل ۱. الگوی تکامل حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی گذاری عمومی

همان‌طور که بیان شد، هدف اصلی پژوهش شناسایی و بررسی ابعاد، مؤلفه و شاخص‌های حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی گذاری عمومی است که با استفاده از روش نظریه داده بنیاد؛ این موارد استخراج و مشخص شد. مطابق با این الگو، سازوکارهای اساسی که به‌عنوان عوامل اصلی

ایجاد اعتماد عمومی است، در قالب شناسه‌های انتخابی مطرح شد. در واقع این موارد می‌تواند به‌عنوان ابعاد و مؤلفه‌های اصلی‌ای باشد که تکامل حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی را سبب شود. مسئولیت اصلی حکومت‌ها و دولت‌ها تدوین سازوکار یا راهبردهایی به سود عموم مردم است که عناصر «پاسخگویی، عدالت‌محوری و شفافیت»^۱ را در تصمیم‌گیری‌های آنها به تصویر می‌کشد. در کنار تصمیم‌گیری عاقلانه در مورد مسائل حیاتی، نهادها و دستگاه‌های حاکمیتی باید همین موضوع را به‌موقع و به‌طور مؤثر با مردم در میان بگذارند تا آنها به دستگاه‌های دولتی اعتماد کنند. این امانت‌داری سبب ایجاد نظم و قانون خوب در کشور می‌شود، زیرا شهروندان راضی، رفتار شایسته‌ای از خود نشان می‌دهند و از قوانین و مقررات پیروی می‌کنند و آنها را برای جامعه سودمند می‌دانند. افزون بر این، نرخ سرمایه‌گذاری عمومی را می‌توان با افزایش اعتماد آنها به فرایند تصمیم‌گیری دولت برای افزایش بیشتر توسعه اقتصادی و در نتیجه توسعه پایدار افزایش داد. بسیاری از اندیشمندان، اعتماد به دولت را به‌عنوان اعتمادی که شهروندان به مقامات برای انجام کار درست دارند، تعریف کردند. عموم مردم از نهادهای دولتی و حکومتی انتظار دارند که درست عمل کنند، عدالت را برای آنها فراهم کنند، از حقوق اساسی آنها مانند غذا، سلامت، آموزش و امنیت «محافظت»^۲ کنند. بنابراین، اعتماد به دولت یا حکومت به انتظارات عمومی در مورد رهبران سیاسی و عملکرد سازمان‌های دولتی در مورد چگونگی تعهد، رفتار و انجام مسئولیت‌های خود اشاره می‌کند که در این‌گو با عنوان‌های «حکمرانی یکپارچه؛ حکمرانی پاسخگو؛ شهروندمحوری»^۳ مطرح شده است. از این‌رو، ارزیابی عملکرد دولت مبتنی بر اعتمادی است که مردم به دولت برای اجرای وظایف یک دولت القا می‌کنند و حکمرانی یک اصطلاح مرزی است که برای عملکردهای دولت در تمام مراحل استفاده می‌شود و در عین حال به مشکلات مشترک حکومت و شهروندان با برآوردن نیازهای آنها به بهترین شکل ممکن واکنش نشان می‌دهد. مؤلفه‌هایی چون «ثبات سیاسی؛ تدابیر و سیاست‌های کلی نظام؛ ایجاد برنامه‌های راهبردی و متقن؛ قدرت سیاسی قاعده‌مند»^۴ به توانایی حکومت در طراحی و به‌کارگیری خط‌مشی‌ها و سیاست‌های خود اشاره می‌کند. توافق بر سر یک الگوی کامل برای حکمرانی مطلوب بسیار پیچیده است. چراکه ساختار آن از ویژگی‌ها و عناصر متعددی مانند

1. Accountability, Fairness and Transparency

2. Protection

3. Integrated governance; Accountable governance; Citizenship

4. Political stability; General policies of the system (regime); Creating strategic and detailed plans; Ruled political power

پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و شفافیت تشکیل شده است. پاسخگویی عمومی به‌عنوان میزانی است که دولت در برابر تصمیمات و اقدامات خود در برابر عموم پاسخگو است. شفافیت به‌عنوان وضوح و دسترسی به اطلاعات ارائه‌شده توسط دولت و درعین حال در نظر گرفتن منافع عمومی نامیده می‌شود. مبارزه با فساد نیز به‌عنوان سازوکاری حیاتی و اساسی است که سلامت اداری و اعتماد عمومی را ارتقا می‌دهد و ایمان به این باور است که مقامات دولتی به آنچه شهروندان می‌گویند، گوش می‌دهند و به آن اهمیت می‌دهند (اندرسون، ۲۰۱۰: ۶۴). دولت پاسخگو^۱ به تعامل و ارائه بازخورد کارآمد مرتبط است و با میزان درک عمومی از اینکه دولت به آنها گوش می‌دهد و به سؤالات آنها پاسخ می‌دهد، اندازه‌گیری می‌شود. تصمیمات پاسخگوی دولت در راستای منافع شهروندان به‌طور قابل‌توجهی بر شهروندان تأثیر می‌گذارد و حکمرانی پاسخگو را شکل می‌دهد؛ هم‌چنین از شبکه‌های دولت الکترونیکی استفاده می‌کند تا ضمن ارائه خدمات عمومی مؤثر؛ اطلاعات ارزشمند و به‌موقع را انتشار دهد تا جریان آزاد اطلاعات (آزادی اطلاعات) به‌وجود آید. این موارد، سبب ارتقای دانش و آگاهی جامعه شده و با افزایش دانش مردم در مورد خط‌مشی‌گذاری دولت‌ها، دسترسی آزاد به داده‌ها در مورد محل استفاده از منابع و منابع مالی و چگونگی عملکرد مقامات، می‌تواند خط‌مشی‌گذاری باز را ایجاد کند. مؤلفه‌هایی چون «ارائه کالاها و خدمات عمومی و اجتماعی مؤثر؛ ارائه خدمات عمومی مطلوب؛ ارتباط و مشارکت تمام اقشار و بخش‌ها؛ احترام شهروندان و دولت به یکدیگر و نهادهای حاکم» به‌عنوان مصداق‌های شهروندمحوری است. یکی از ویژگی‌های خدمات عمومی، ماهیت شفاف و بازبودن آنها با استفاده از وب‌سایت‌های رسمی گوناگون برای برقراری ارتباط با شهروندان است. درواقع، فناوری‌های نوین به شهروندان کمک می‌کند تا اهمیت و دقت تصمیمات گوناگون توسط نهادهای دولتی را بر اساس دسترسی سریع به چنین اطلاعاتی درک کنند؛ بنابراین، حکمرانی سالم که تأکید می‌کند دولت باید به‌موقع به نگرانی‌های عمومی پاسخ دهد تا حکمرانی یکپارچه برقرار شود، با این واقعیت به شهروندان کمک می‌کند تا بینش بهتری از کار انجام‌شده توسط دولت در راستای منافع شهروندان داشته باشند تا سطح اعتماد آنها به دولت را بیشتر تقویت کنند؛ در تصمیم‌گیری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌ها نیز آنها را مشارکت داده و گفت‌وگو سازی در فرایند خط‌مشی‌گذاری را شکل می‌دهد. افزون بر این، مؤلفه‌هایی چون «توسعه کیفیت محیط؛ توسعه انسانی؛ مدیریت مور و کارآمد اقتصادی؛ بهبود زیرساخت‌های عمومی» سبب می‌شود تا دولت

با استفاده صحیح و بهینه از منابع؛ در راستای اتخاذ تصمیمات مهم سیاستی و برقراری ارتباط با دیگر کشورها در راستای توسعه پایدار گام بردارد. در این صورت است که حکومت نه تنها مسئولیت مهم ارتقای کیفیت زندگی مردم را بر عهده می‌گیرد، بلکه مسئولیت ارتقای توسعه جامعه و توسعه پایدار کشور را نیز به دوش می‌کشد. این موارد، به‌عنوان ابعاد و مؤلفه‌های اصلی حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی است.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیشتر نیز بیان شد، هدف اصلی پژوهش شناسایی و بررسی ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی است. مفهوم حکمرانی، مفهوم جدیدی نیست و قدمت آن به‌اندازه عمر تمدن بشری است. تغییر و تحولات دنیای فعلی و گذر از رویکردهای گوناگون حکمرانی سبب شده است تا حکومت‌ها به‌دنبال راه‌های نوآورانه برای حکمرانی باشند که حکمرانی سالم، یکی از مهم‌ترین و منعطف‌ترین آنها است. تجربه اخیر بسیاری از کشورها در زمینه حکمرانی سالم به‌طور تجربی ثابت کرده است که وظیفه واقعی حکومت و دولت؛ توانمندسازی حکمرانی و همه مردم جامعه است. این مقوله می‌تواند در تقویت پیشرفت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، رفاه و تقویت نهادهای جامعه سودمند باشد. افزون بر این، دولت باید بداند که اصلاح نگرش و رفتار با مردم احتمالاً ظرفیت آنها را برای مشارکت همه‌جانبه لحاظ کند. این امر با تعامل و مشارکت دادن آنها در فرایندهایی مهمی چون خط‌مشی‌گذاری عمومی صورت می‌گیرد. افزون بر این، حکومت و دولت باید ارتباطات بین تمام لایه‌های اداری و خدمات عمومی را همگام سازد تا انجام اقدامات لازم با شیوه‌های مدیریتی نوین صورت پذیرد. این ارتباطات می‌تواند شفافیت، آزادی اطلاعات و افزایش اعتماد عمومی را سبب شود. این مقوله می‌تواند به شهروندان اطمینان دهد که مشارکت ارزشمند آنها برای فرایند تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری دقیق در نهادهای متولی حکمرانی، به‌عنوان عاملی حیاتی است. افزون بر این، حکومت‌ها باید نیاز به توسعه زیرساخت‌های عمومی همچون آموزش، بهداشت و فناوری اطلاعات مناسب در سراسر کشور را برای ارائه تسهیلات به همه شهروندان، به‌ویژه برای کسانی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند، درک کنند؛ همچنین، نهادها و سازمان‌های دولتی باید درک کنند که مشارکت تعاملی تنها با در نظر گرفتن پیاپی دیدگاه‌های شهروندان مرتبط با راهبردها در فرایند تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری به‌جای تحمیل

تصمیمات خود بر شهروندان امکان‌پذیر است. به این ترتیب بسیاری از شهروندان به شبکه‌های دولت الکترونیک دسترسی خواهند داشت تا نظر خود را در سطوح بالاتر بیان کنند و به‌نوعی حکمرانی الکترونیک برقرار شود. به همین ترتیب، این مسئولیت شهروندان است که بدانند از مشارکت و همکاری فعال آنها با سازمان‌های دولتی می‌توان مزایای گونه‌گونی برای عملکرد کلی کشورها به‌دست آورد و این یعنی ارتباط و همکاری مؤثر تمام اقشار در پرتو حکمرانی سالم.

این پژوهش از دید پیامدهای به‌دست‌آمده (توسعه پایدار؛ شهروندمحوری) با نتایج پژوهش‌های کاروترز و برکن‌ماچر^۱ (۲۰۱۴) و علام و شعیبی^۲ (۲۰۲۲) همسو و هم‌راستا است. از دید شرایط علی و راهبردهای به‌دست‌آمده (حکمرانی الکترونیک؛ مشارکت همه‌جانبه؛ حکمرانی یک‌پارچه؛ حاکمیت نهادی؛ حکمرانی پاسخگو) با نتایج پژوهش‌های کاتسامونسکا^۳ (۲۰۱۶)؛ میجر، لپیز و چن^۴ (۲۰۱۹)؛ لیو و کای^۵ (۲۰۲۲) و ماندیچ و کنل^۶ (۲۰۲۱) همسو و هم‌راستا است؛ از دید شرایط زمینه‌ای (گفتمان‌سازی در فرایند خط‌مشی‌گذاری؛ خط‌مشی‌گذاری باز) با پژوهش‌های بیچ و همکاران^۷ (۲۰۱۷)؛ سانچز و لامچک^۸ (۲۰۲۳)؛ شرار و همکاران^۹ (۲۰۱۶) همسو و هم‌راستا است.

از یافته‌های این پژوهش نتیجه می‌شود مضمون‌هایی مانند «حکمرانی یک‌پارچه؛ حاکمیت نهادی؛ حکمرانی پاسخگو؛ خط‌مشی‌گذاری باز؛ گفتمان‌سازی در فرایند خط‌مشی‌گذاری؛ اقتضای شرایط و ضوابط؛ حکمرانی الکترونیک؛ مشارکت همه‌جانبه؛ توسعه پایدار؛ شهروندمحوری» نقش مهم و حیاتی در شکل‌دهی و تکامل حکمرانی سالم دارد. حکمرانی سالم می‌تواند در بستر خط‌مشی‌گذاری، تأثیرات عمیقی داشته باشد. این نوع حکمرانی نه تنها دیدگاه جدیدی ارائه می‌کند، بلکه در مورد سازماندهی دوباره همکاری بین بازیگران گوناگون، مردم و سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، اقدامات اساسی صورت می‌دهد. درواقع، حکمرانی سالم می‌تواند در حوزه عمومی با سرعت زیادی در حال تغییر روش‌های سازماندهی اقدامات مشارکتی باشد. این مقوله می‌تواند اشکال جدیدی از همکاری

1. Carothers & Brechenmacher

2. Alam & Chouaibi

3. Katsamunska

4. Meijer, Lips and Chen

5. Liu & Qi

6. Mandić & Kennell

7. Bach et al

8. Sanchez & Lamchek

9. Shearer et al

را آسان کند که می‌توان آن را حکمرانی باز^۱ نامید. اشکال نوآورانه جدید اقدام جمعی با هدف حل مسائل پیچیده خط‌مشی عمومی، کمک به دانش عمومی، ارائه خدمات عمومی مؤثر، توسعه پایدار، شهروندمحوری و... می‌تواند به‌عنوان مجموعه‌ای از نتایج باشد که از حکمرانی سالم در بستر خط‌مشی‌گذاری عمومی به‌دست می‌آید. در پایان، به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در رابطه با شناسایی و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی مفهوم حکمرانی سالم در دیگر حوزه‌های کاربردی به پژوهش مبادرت ورزند تا خلأ نظری موجود، برطرف شود.

فهرست منابع

- امیری، علی نقی؛ دانایی فرد، حسن؛ زارعی متین، حسن و امامی، سید مجتبی (۱۳۹۰). فهم جوهره خط‌مشی‌های عمومی: واکاوی نظری ماهیت تقلیدپذیری خط‌مشی‌گذاران ملی، اندیشه مدیریت راهبردی، (۱)۵، ۴۴ - ۵.
- پورعزت، علی اصغر، طاهری عطار، غزاله و نجاتی آجی بیشه، مصطفی (۱۳۸۹). چشم‌انداز اداره دولت و حکومت بر اساس خط‌مشی‌ها و اسناد راهبردی برخی از انجمن‌های علمی این رشته، فصلنامه مدیریت دولتی، (۴)۲، ۳۸ - ۲۳.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت، فصلنامه دانش مدیریت، ۱۷(۵): ۶۷.
- متفکر، حسین و بهاروندی، سهیلا (۱۴۰۱). ارائه مدل مؤلفه‌ها و شاخص‌های حکمرانی اسلامی بر اساس تحلیل نظر خبرگان و کارشناسان حکمرانی مطلوب، فصلنامه حکمرانی متعالی، (۱)۳، ۷۴ - ۳۱.
- مرشدی‌زاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی، دوفصلنامه آینده‌پژوهی ایران، (۳)۲، ۱۴۰ - ۱۲۵.

Alam, A. A., & Chouaibi, J. (2022). Sound Governance and Its Role in Promoting Efficiency Performance of Government Units in Telecommunication Sector. **International Journal of Professional Business Review**, 7(5), e0890-e0890.

Anderson M.R. (2010). Community psychology, political efficacy, and trust. **Political Psychology**. 31(1), 59-84.

Asaduzzaman, M. (2016) **Governance theories and models, Springer International Publishing Switzerland**. In book: Global Encyclopedia of Public. DOI:10.1007/978-3-319-31816-5_2612-1.

Bach, T; Niklasson, B & Painter, M. (2017). **The role of agencies in policy-making. Policy and Society**. 31 (3), 183-193. <https://doi.org/10.1016/j.polsoc.2012.07.001>.

Carothers, Th & Brechenmacher, S (2014). **Accountability, Transparency, Participation, and Inclusion: A New Development Consensus?**. <https://carnegieendowment.org>

Charmaz, K., (2000). **Grounded Theory: Objectivist and Constructivist Methods**. 2nd ed. Sage Publications, Thousand Oaks, CA, pp. 509-536.

Corbin, J., Strauss, A., (2014). **Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**. 4th ed. SAGE Publications.

Donohue, J. (2022). **Good Governance: 9 Principles to Set Your Organization up for Success**. <https://www.diligent.com/insights/corporate-governance/what-constitutes-good-governance/#26> October, 2022 Jessica.

Driessen, P. J., Glasbergen, P & Verdaas, D. (2001). Interactive policy-making - a model of management for public works. **European Journal of Operational Research**, 2001, vol. 128, issue 2, 322-337.

Dwiyanto, A. (2008). **Mewujudkan Good Governance Melalui Pelayanan Public**. Gajah University Press. Yogyakarta.

Farazmand, A. (2004). **Sound Governance Policy and Administrative Innovations**. Praeger Publisher. USA.

Farazmand, A. (2012). Sound Governance: Engaging Citizens through Collaborative Organizations. **Public Organization Review**. 12 (3). DOI:10.1007/s11115-012-0186-7.

Ismaila, Y; Bayes, S; Geraghty, S. (2021). Understanding the barriers to Ghanaian midwives' ability to provide quality care: Using classic Grounded theory methodology in a new context. **International Journal of Africa Nursing Sciences**. Volume 15, 2021, 100374.

Katsamunsk, P. (2016). "The Concept of Governance and Public Governance Theories," **Economic Alternatives**, University of National and World Economy, Sofia, Bulgaria, issue 2, pages 133-141, June.

Liu, D., & Qi, X. (2022). Smart governance: The era requirements and realization path of the modernization of the basic government governance ability. **Procedia Computer Science**, 199, 674-680.

Mandić, A & Kennell, J. (2021). Smart governance for heritage tourism destinations: Contextual factors and destination management organization perspectives. **Tourism Management Perspectives**. Volume 39, July 2021, 100862.

Meijer, AJ; Lips, M and Chen, K (2019). **Open Governance: A New Paradigm for Understanding Urban Governance in an Information Age**. *Front. Sustain. Cities* 1:3. doi: 10.3389/frsc.2019.00003.

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2017). **Policy Advisory Systems: Supporting Good Governance and Sound Public Decision Making**. Paperback – December 6, 2017.

Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD) (2022). **The Values of Sound Public Governance**. <https://www.oecdilibrary.org/sites/9648ef3den/index.html?itemId=/content/component/9648ef3d-en>.

Putra, F. (2009). **Good Governance**. Averroes Press. Malang.

Sanchez, E. M., & Lamchek, J. S. (2023). Creating a sovereign wealth fund in a corruption-riddled country: Energizing transparency and sound governance with direct benefit-sharing. **Resources Policy**, 81, 103244.

Setyadiharja, R; Kurniasih, D; Setiawati, P & Suryanti, N. (2017), Good governance VS Sound governance: A comparative Theoretical Analysis, **Advances in Social Science, Education and Humanities Research (ASSEHR)**, volume 163.

Shearer, J. C; Abelson, J; Kouyaté, B; Lavis, J. N; Walt, G. (2016). Why do policies change? Institutions, interests, ideas and networks in three cases of policy reform. **Health Policy and Planning**, Volume 31, Issue 9, November 2016, Pages 1200–1211, <https://doi.org/10.1093/heapol/czw052>.

United Nations (2006). **7th Global Forum on Reinventing Government Building Trust in Government**, 26-29 June 2007, Vienna, Austria Public Administration And Democratic Governance: Governments Serving Citizens.

<https://publicadministration.un.org/publications/content/PDFs/E-Library>.

Zau, Jiaying; Kang Jian; Ma, Hui & Wang, Chao. (2020). Grounded theory-based subjective evaluation of traditional Chinese performance buildings. **Applied Acoustics**. Volume 168, November 2020, 107417.